



۲۰۲۰/۰۳/۲۳

اختر محمد یوسفی

حکومت همه شمول؟



مدتی است که غارتگران لفاظ و چپاولگر داخلی و حمایتگران خارجی ایشان برای فریب مردم افغانستان در گفتارهای شان با بسیار پر رویی، بی مسؤولیتی و سبکسری اصطلاح "حکومت همه شمول" را برای حل بحرانی که خود شان ایجاد کرده اند ورد زبان ساخته اند. غارتگران لفاظ و چپاولگر داخلی و حمایتگران خارجی در نظر دارند که باز هم مانند گذشته ترکیبی از جنایتکاران و دزدان حرفوی شان را در یک ساختار چور و چپاول در افغانستان به نام "حکومت همه شمول" جابجا سازد.

حکومت همه شمول یعنی چی؟

حکومت یکی از اجزای سه گانه دولت است که ساختار آن باید توسط قانون با انتخاب افراد مسلکی، متخصص و پاک نفس به وجود می آید، استعمال کلمه "همه شمول" برای حکومت قانونی که مشخصات آن را غارتگران لفاظ و حمایتگران خارجی شان از ادرس سهمیه بندی های اقوام و مذاهب ارائه می دارند نه تنها اینکه غیر عملی است بلکه گفتن چنین جفنگ ها مسخره و شرم آور نیز است.

* حقیقت روشن است، مردم زحمتکش و با شرف افغانستان بنا بر جنایات و خیانات بی شمار این غارتگران لفاظ و چپاولگر داخلی با حمایتگران خارجی شان در طی دو دهه، که یکی از فاسدترین نمونه حکومت را در جهان در زیر چتر دیموکراسی در افغانستان دیده اند کافی است.

توطئه ها و جنایات تداوم جنگ و تسلط غارتگران لفاظ و چپاولگر داخلی و حمایتگران خارجی پنج سال بیشتر در افغانستان رسوا شده است. مردم زحمتکش افغانستان با این غارتگران لفاظ و چپاولگر هیچ باور ندارد و بدین علت بوده است که مردم در انتخابات ریاست جمهوری برای این غارتگران لفاظ و چپاولگر هم رأی نداده اند.

* این غارتگران لفاظ و چپاولگر اکنون باز هم مانند انتخابات قبلی ۲۰۱۴ می خواهد که از راه لجاجت به کمک استخبارات بیگانه چوکی های مقامات بالای حکومتی را به هر قیمت قانون شکنی و بی شرمی که هم باشد اشغال نمایند.

حوادث جنگ و تداوم آن در افغانستان در طی چندین دهه همواره بنا بر توطئه های دشمنان خارجی بخصوص همسایه های کشور ما ایران و پاکستان که در میهن محبوب ما اهداف و منافع شوم اقتصادی، سیاسی و فرهنگی دارند به کمک همین اجیران داخلی شان صورت گرفته است.

* هر زمانی که مردم زحمتکش و صلحدوست افغانستان تلاش های صلحجویانه برحق خود را برضد تداوم جنگ و خونریزی تشدید می بخشند، ایران و پاکستان مطابق سناریوی شان به کمک اجیران داخلی خویش و پشتیبانان بین المللی آنان جلو تأمین صلح واقعی و عدالت را در افغانستان گرفته است. همین غارتگران لفاظ بودند که در سال ۲۰۰۲ میلادی در لویه جرگه ملی کشور فرصت طلایی را قطع جنگ و خونریزی در افغانستان را تخریب نمودند، به اشاره دشمنان خارجی میهن ما با انتخاب مناسب ترین شخصیت ملی شاه سابق افغانستان اعلیحضرت محمد ظاهر شاه به حیث زعیم کشور مخالفت کردند.

بدبختانه که جنگ و خودریزی در کشور به شدت آن ادامه یافته و این غارتگران و اجیران بیگانه در افغانستان حکمروایی می کند.

*** نقش خائنانه اجیران داخلی ایران و پاکستان در افغانستان تاریکترین صفحات تاریخ معاصر افغانستان را رقم زده اند. این غارتگران و جنایتکاران با القاب متعدد رنگین کمان خویش توطئه های دشمنان میهن ما را سازمان می دهند، اصطلاح "حکومت همه شمول" هم یکی از همان توطئه های رنگین کمان ایشان است که برای فریب مردم شریف و بی دفاع افغانستان تبلیغ می شود.**

ساختمان جنگ پنج دهه در افغانستان در دو جهت متخاصم آن پایه های اجیران داخلی، محرکین و حمایتگران منطقوی و بین المللی دارد. موقعیت اجیران داخلی بنا بر منافع شان گاهی هم تغییر پذیر است. جنگ افغانستان بازیگران منطقوی و بین المللی متخاصم گاهی هم در بازی های ویرانی افغانستان در ویرانی با هم مشترک کار کرده اند.

اول: شوروی ها قبل خروج قوای متجاوز نظامی شان از افغانستان برای تداوم جنگ و خونریزی در میهن ما اجیران داخلی خویش را در وجود جمعیت "اسلامی" به رهبری بحران الدین ربانی، گلجمان را به رهبری رشید دوستم، منصور کیان رهبر فرقه اسماعلیه، و حزب "وحدت" پیروان خمینی و غیره را برای تداوم جنگ استخدام کردند و تا اکنون هم از همان نوکران اجیر خود در جنگ افغانستان حمایت می نمایند. بعد از امضای قرارداد "صلح" ژنیو در ماه اپریل ۱۹۸۸ میلادی در بین افغانستان - پاکستان هر دو جهت تضمین کننده آن قرارداد شوروی و امریکا با توافق همنظر مواد قرارداد ژنیو را عملی نکردند، و پلان پنج فقره "صلح" سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۲ میلادی عملاً ناکام گردید.

مجدداً آتش جنگ در افغانستان درگرفت که همه شما شاهد چور و چپاول و جنایات توسط جمعیت "اسلامی" به رهبری بحران الدین ربانی، گلجمان رشید دوستم، رهبری فرقه اسماعلیه کیان، و حزب "وحدت" پیروان خمینی به کمک روسیه - ایران و ترکیه در افغانستان بودند.

هیچیک از حلقات اتحاد "ضد" طالبان جمعیت "اسلامی" به رهبری برهان الدین ربانی، گلجمان رشید دوستم، رهبری فرقه اسماعلیه کیان، و حزب "وحدت" پیروان خمینی در برابر طالبان مقاومت نکردند و قبل از ورود طالبان از کابل پایتخت افغانستان فرار نمودند و ارگ شاهی خالی که کلید های دروازه ها را هم با خود برده بودند.

جمعیت "اسلامی" و شورای نظار تمام اسلحه و مهمات و دارایی دولتی باقیمانده کشور را بعد از فروش با پاکستان و ایران با خود به دره پنجشیر برده اند. در میان اموال سرقت شده ارگ شاهی توسط جمعیت "اسلامی" و شورای نظار موتر انتیک ارگ شاهی که عکس آن در فوق موجود است نیز شامل اموال سرقت بوده که توسط خسر احمد شاه مسعود به دره پنجشیر انتقال داده بودند، در این اواخر توسط عبدالله عبدالله دوباره به موزیم ملی کشور سپرده شده است.



اسناد کافی موجود است وقتی که نماینده طالبان ملا محمد ربانی با همراهان پاکستانی خویش در ۲۶ سپتمبر ۱۹۹۶ میلادی داخل ارگ شاهی کابل شدند، کلید های دروازه ها هم نبود که دروازه ها را باز کنند. هیچکس داخل ارگ



شاهی نبود، حتی خدمه ها و آشپزان هم از ترس طالبان از ارگ گریخته بودند. طالبان قفل ها را شکستاده و داخل دفاتر ارگ شاهی شده بودند. کسانی که از اتحاد "ضد" طالبان در هرجا لاف مقاومت می زنند دروغ محض است. آنان در برابر ماشین جنگی طالبان مقاومت نکرده اند. اینکه چند روز پیش محمد محقق در یکی از صحبت هایش کنایه که هدفش رئیس جمهور برحال افغانستان داکتر اشرف غنی بود، لاف زده یک دروغ شاخدار است که گویا:

"ما با طالبان جنگ کردیم ما با طالبان صلح می کنیم تو کیستی که خود را با ما شریک می سازی"

داستان حقیقی جنگ حزب "وحدت" با طالبان طوری است که "وقتی طالبان عبدالعلی مزاری را دستگیر نموده بودند، نمی خواستند او را بکشند، اما یکی از افراد مسلح نفوذی جمعیت "اسلامی" به رهبری برهان الدین ربانی در همان هلیکوپتر انتقال دهنده سلاح کلشینکوف داشته و سلاح خود را به عبدالعلی مزاری میدهد، عبدالعلی مزاری توسط همان گلاشینکوف بالای افراد مسلح طالبان فیر میکند، که با فیر افراد مقابل عبدالعلی مزاری نیز در همان برخورد داخل هلیکوپتر کشته شده است".



بعد از کشتن عبدالعلی مزاری تمام رهبران حزب "وحدت" مخفی شدند و یا به ایران فرار کردند.

تا اینکه بعد از حمله القاعده در یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی در امریکا قوای نظامی امریکا و ناتو حکومت طالبان را در افغانستان سرنگون نمودند و از ترکیب اتحاد "ضد" طالبان جمعیت "اسلامی" به رهبری برهان الدین ربانی، گلجمان رشید دوستم، رهبری فرقه اسماعلیه کیان، و حزب "وحدت" پیروان خمینی را به شمول رسول سیاف و غیره در دولت جدید افغانستان به رهبری حامد کرزی سخنگوی حضرت صبغت الله مجددی و کارمند کمپنی تیل امریکایی یونیکال را گماشتند که شخص بیسواد محمد محقق خود در همان کابینه وزیر پلان بوده است.

دوم: در جهت مقابله جنگ افغانستان کشورهای غربی به شمول امریکا، عربستان سعودی و پاکستان با وجود اینکه در برخی تفاهات مشترک میان امریکا با شوروی - روسیه در افغانستان در سقوط حکومت داکتر نجیب الهه هم نظر بودند، مگر غرب در سائر موارد متقین نبودند که اهداف آنان در افغانستان با این تفاهم تاکتیکی موقتی مشترک با روسیه محافظت شود. با ابتکار پاکستان سازمان القاعده در اگست سال ۱۹۸۸ در شهر پشاور پاکستان به رهبری اسامه بن الدین و معاون آن الطواهری تشکیل گردید است.

با ورود اسامه بن الادین و سازمان القاعده در سال ۱۹۹۳ میلادی در افغانستان هنگامی که جنگ های نیابتی ایران و عربستان سعودی در افغانستان با جنایات هولناک آن توسط اجیران دو طرف شان حزب "وحدت" به رهبری عبدالعلی مزاری و وهابیان پیروی خط عربستان سعودی به رهبری رسول سیاف با شدت آن ادامه داشت. در عین زمان رهبری جنگ از کنترل پاکستان خارج گردیده بود و مطمئن ترین فرد پاکستان صدراعظم گلبدین حکمتیار هم خارج از شهر کابل در چهار آسیاب مستقر بود. صدراعظم افغانستان گلبدین حکمتیار خارج شهر از کوه های اطراف آن شهر کابل را زیر آتش با فیرهای راکت قرار میداد، که در مدت چند ماه در شهر کابل بیش هفتاد هزار افراد ملکی بیگانه را به قتل رساندند. پاکستان برای پیشروی خویش در افغانستان تاکتیک جنگ خود را تغییر داد. پاکستان با ارسال طلاب مدارس در جنگ افغانستان زمینه ادغام فعالیت های مشترک جنگ های سازمان القاعد و طالبان را تحت رهبری اسامه بن الادین و ملا محمد عمر را تنظیم نمود. ترکیب جدید ماشین جنگی چهره جنگ را

به نفع پاکستان عوض کرد. طالبان به کمک القاعده و پاکستان با شعاری که طالبان عساکر اعلیحضرت محمد ظاهر هستند، به زودی توانستند تمام ولایت افغانستان را تصرف کنند. با تصرف افغانستان توسط طالبان جمعیت "اسلامی" به رهبری برهان الدین ربانی به تاجکستان، سردهسته گلجمان رشید دوستم به ترکیه و حزب "وحدت" هم به ایران فرار کرد بودند.

القاعده ماشین جدید جنگی خود را مرکب از جنگجویان القاعده عرب تبار، افسران آی. اس. آی. پاکستان و جنگ جویان طالبان را بر پایه افراطیت "اسلامی" را شکل دادند و جنگ القاعده نه تنها در افغانستان بلکه در بسیاری نقاط جهان علیه امریکا و متحدین آنرا آغاز کردند.

دیگر طالبان جزء ماشین جنگی القاعده بودند. وقتی فرا رسید که مناسبات رهبر القاعده اسامه بن الادین با عربستان سعودی در چندین ملاقات با ترکی بن فیصل رئیس استخبارات سعودی در مقر رهبر القاعده اسامه بن الادین در قندهار از نزدیک بودن عربستان سعودی با امریکا به وخامت گردید. بنابر درخواست رهبر القاعده اسامه بن الادین که عربستان سعودی باید به عوض عساکر امریکایی طالبان افغان که مسلمان هستند برای امنیت خود استخدام نمایند. عربستان سعودی این پیشنهاد رهبر القاعده را نپذیرفت و عساکر امریکایی را برای امنیت خود استخدام کردند. از آن ببعد دشمنی و عملیات القاعده بر قوای امریکایی حافظ امنیت سعودی، سفارت های امریکا در افریقا تا حملات یازدهم سپتمبر ۲۰۰۱ میلادی و غیره تا سقوط حکومت طالبان در افغانستان در خزان ۲۰۰۱ میلادی توسط قوای نظامی امریکا ناتو ادامه یافته است، که این بحث جداگانه است و شامل موضع بحث کنونی در اینجا نمی شود.

پای

حکومت همه شمول؟

Yusofi_akhtar_hokumat_hama_shmool.pdf